

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بیرجند
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تأثیرپذیری خاوران نامه ابن حسام خوسفی از شاهنامه فردوسی

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر سام خانیانی

استاد مشاور:

دکتر محمد بهنام فر

نگارش:

حسین غلام پور حصار سرخ

تابستان ۱۳۹۱

کلیه حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه برداری، اقتباس و... این پایان نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هر گونه سوءاستفاده از آن پیگرد قانونی دارد .
نقل مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است.

اگر حاصل کار معرفتی باشد قابل، آن را تقدیم می نمایم به بهترین های زندگیم:

پدر عزیزم

واژه یکران محبت، حقیقت، همیشگی عشق و علاقه و راهبر راه زندگی، او که برایم الگویی از ایمان و صداقت است.

مادر عزیزم

عمق بی نهایت عشق، فرشته مهربان نواز سکر و التیام اندوه دل، او که گرمی نفس های پر از عشقش به من توان زیستن

می دهد و هر چه دارم مرمون دعای خیر اوست.

خواهران و برادران مهربان و دلسوزم

عزیزانی که جوشش نگاه پر امیدشان روشنی بخش راهم بوده و بهار زندگیم به ترنم محبتشان آکنده است.

و تقدیم به تمام کسانی که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه جاودان زندگی من بوده است...

تشکر و قدردانی

نخستین بدین نامه دلگشای	سخن نقش بستم به نام خدای
خداوند هوش و خداوند جان	خداوند بخشنده مهربان
یگانه خداوند بالا و پست	گواه بوده بر هستی اش هرچه هست
خدایا به پاداش این دسترنج	ز جود تو دارم تمنای گنج
بدین نامه چون دست کردم دراز	نخستین به نام تو بستم طراز

اینک به پاس هر قدمی که برای ساختن اندیشه‌های من برداشته شده و در ازای هر اشاره‌ای که مرا در رسیدن به پاسخ پرسشها، یاری نموده است؛ تنها می‌توانم یاد کنم از نامشان تا خود بدانم آموخته‌هایم در گرو حضور ایشان در زندگی من بوده است.

از تمامی معلمان و استادان گرامی که در طول دوران تحصیل مرا در کسب دانش و معرفت یاری نمودند، به ویژه استاد راهنمای گرانقدرم جناب آقای دکتر علی اکبر سام خانیانی، که همواره از راهنمایی‌های ارزنده‌شان بهره‌مند شده‌ام صمیمانه سپاسگزارم و برای ایشان از خداوند متعال طول عمر با عزت و توفیق روزافزون مسئلت می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر محمد بهنام فر که با مشاوره‌های ارزنده و با صبوری بسیار به من یاری رساندند کمال قدردانی را دارم و برای ایشان از جهان آفرین، جهانی پر از شوق خواستارم.

از دوستان گرانقدر و عزیزم آقایان مجید خسروی، طیب تاج بخش و دیگر دوستان دوران دانشجویی من که در طی انجام این پژوهش مرا تنها نگذاشته و باعث دلگرمی من بودند بسیار سپاسگزارم و سربلندی و موفقیتشان در تمام مراحل زندگی را از درگاه ایزد منان خواستارم.

در پایان لازم می‌دانم زحمات خانواده بزرگوار و دلسوز خود را که از بذل هر گونه محبت و ایجاد شرایط مناسب دریغ نکردند، پاس دارم. جهان آفرین جهان‌بانان.

چکیده

خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوشفی یکی از بهترین نمونه‌های حماسه‌دینی و نشانگر تثبیت مذهب شیعه در میان ایرانیان و یکی از مهمترین حماسه‌های دینی جهان محسوب می‌گردد، که در این اثر داستان‌های مذهبی و مآثر تاریخی اسلام و رشادتهای حضرت علی(ع) بیان شده‌است. شاهنامه‌ی فردوسی پرمایه‌ترین دفتر شعر فارسی و مهمترین سند عظمت و فصاحت فرهنگ و زبان پارسی و از بزرگترین حماسه‌های جهان می‌باشد، که در آن افسانه‌ها و داستان‌های ملی و تاریخی قوم ایرانی به بهترین وجه بیان شده‌است. ابن‌حسام در سرودن خاوران‌نامه از جنبه‌های مختلف به شدت تحت تاثیر شاهنامه‌ی فردوسی بوده‌است و شاهکار استاد توس را به عنوان الگو، مدنظر داشته‌است، از این رو در این رساله سعی کردیم تا به شیوه توصیفی و تطبیقی و به روش تحلیل متن، تاثیرپذیری خاوران‌نامه از شاهنامه را با تکیه بر جنبه‌های عناصر داستانی که شامل: گفت‌وگو، پیرنگ، زاویه دید، شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی را بررسی کنیم و در مقوله‌ی سبک‌شناختی در سطوح مختلف از جمله: زبانی با عنوان‌های آوایی، لغوی، صرفی و نحوی و در بخش ادبی شامل ایهام، تشبیه ...، و در بخش محتوایی و فکری به مقوله‌هایی چون جهان‌آفرین، خردورزی، قضا و قدر، ... پرداخته شده‌است.

واژه های کلیدی: ابن‌حسام خوشفی، فردوسی، خاوران‌نامه، شاهنامه، نقد نفوذ.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۱۰

فصل اول: کلیات

۱-۱- معرفی ابن حسام خوسفی و خاوران نامه.....	۱۴
۱-۲- وضع شعر فارسی در عصر ابن حسام.....	۱۷
۱-۳- آثار ابن حسام.....	۲۰
۱-۴- خاوران نامه.....	۲۰
۱-۵- هنر شاعری ابن حسام در خاوران نامه.....	۲۶
۱-۶- ابن حسام و پیشوایی فردوسی.....	۲۷
۱-۷- به خواب دیدن ابن حسام، فردوسی را.....	۳۲
۱-۸- حماسه.....	۳۴

فصل دوم: عناصر داستان در شاهنامه و خاوران نامه

۱-۲- درآمد.....	۴۴
۲-۲- گفتگو.....	۴۵
۲-۲-۱- گوینده و شنونده هر دو انسان.....	۴۵
۲-۲-۲- گفتگوی بین انسان و حیوان.....	۴۶
۲-۲-۳- با خودسخن گفتن قهرمانان.....	۴۶
۲-۲-۴- وصف قهرمانان از زبان رقیب.....	۴۷
۲-۲-۵- سخن گفتن با پروردگار.....	۴۷
۲-۳- شخصیت و شخصیت پردازی.....	۴۸
۲-۳-۱- ویژگی قهرمانان در شاهنامه و خاوران نامه.....	۴۸
۲-۴- زاویه دید.....	۶۴

- ۶۶ ۵-۲-پیرنگ
- ۶۷ ۱-۵-۲- بررسی پیرنگ در شاهنامه و خاوران نامه
- ۶۸ ۲-۵-۲- صحنه

فصل سوم: بررسی سبک شناختی در شاهنامه و خاوران نامه

- ۷۰ ۱-۳- در آمد
- ۷۰ ۲-۳- سطح زبانی
- ۷۳ ۱-۲-۳- آوایی
- ۷۵ ۲-۲-۳- لغوی
- ۸۰ ۳-۲-۳- صرفی و نحوی
- ۸۲ ۳-۳- آرایه ادبی
- ۸۳ ۱-۳-۳- اغراق و مبالغه
- ۸۴ ۲-۳-۳- ایهام
- ۸۵ ۳-۳-۳- واج آرایبی
- ۸۵ ۴-۳-۳- تشبیه
- ۸۶ ۵-۳-۳- استعاره
- ۸۷ ۶-۳-۳- جناس
- ۸۸ ۷-۳-۳- مراعات نظیر
- ۸۸ ۸-۳-۳- کنایه
- ۸۹ ۹-۳-۳- ضرب المثل
- ۹۰ ۱۰-۳-۳- تهکم
- ۹۰ ۱۱-۳-۳- تشخیص

- ۹۱ ۱۲-۳-۳- لف و نشر
- ۹۲ ۴-۳- سطح فکری
- ۹۲ ۱-۴-۳- جهان آفرین
- ۹۸ ۲-۴-۳- خرد
- ۱۰۱ ۳-۴-۳- قضا و قدر
- ۱۰۳ ۴-۴-۳- دنیا
- ۱۰۵ ۵-۴-۳- مرگ و آخرت
- ۱۰۸ ۶-۴-۳- زن
- ۱۱۵ ۷-۴-۳- عشق
- ۱۱۸ نتیجه
- ۱۱۹ کتابنامه

پیشگفتار

مسأله تحقیق

یکی از زیباترین و شکوهمندترین آثار حماسی، شاهنامه‌ی فردوسی است که هر صاحب ذوقی را مجذوب و شیفته‌ی خود ساخته و در سراسر جهان مورد توجه و سرمشق حماسه‌سرایان قرار گرفته و باعث خلق آثاری از این نوع گردیده است.

«حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و ویژگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۷۸: ۳).

یکی از آثار ارزشمندی که به تقلید از شیوه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی سروده شده، منظومه‌ی خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی است. خاوران‌نامه، حماسه‌ای دینی است که موضوع آن، شرح دلاوری‌ها و جنگ‌های حضرت علی (ع) و یارانش: مالک اشتر، ابوالمحبجن، عمروامیه و دیگر یاران او با اژدها، دیو و شاهان ستمگر دیو منشی چون تهماس، قطار، صلصال و جز آن‌ها است. این مثنوی، مشتمل بر ۲۲۵۰۰ بیت است و در قرن نهم هجری به شیوه و سبک شاهنامه‌ی فردوسی در بحر متقارب سروده شده است.

در باب فردوسی و اثر ارزنده و جاودان او، شاهنامه، بزرگان علم و ادب سخن‌ها گفته، و آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته‌اند، اما متأسفانه، خاوران‌نامه و سراینده‌ی گران‌قدر آن ابن حسام خوسفی بیرجندی ناشناخته مانده است.

در این پژوهش برآن بوده‌ام تا نقاب از چهره‌ی این شاعر حماسه‌سرای ایرانی و اثر والای او منظومه‌ی زیبای خاوران‌نامه، بردارم و او را به عنوان یکی از پیروان مکتب فردوسی بزرگ، به صاحب ذوقان و دوست داران حماسه‌سرای بزرگ جهان فردوسی نامدار - گاهی هر چند تا چیز در راه شناخت خاوران‌نامه بردارم، شاید آغازی برای آشنایی بیشتر با این شاعر و اثر ارزشمند او، خاوران‌نامه باشد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- تاثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه در چه زمینه‌هایی بوده است؟
- ۲- چه عواملی در تاثیر پذیری خاوران‌نامه از شاهنامه موثر بوده است؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- ابن‌حسام در سرودن خاوران‌نامه در زمینه‌های سبکی، محتوایی و عناصر داستانی تحت تاثیر شاهنامه بوده است.
- ۲- اوضاع اجتماعی حاکم بر روزگار و زمینه‌های مشترک فرهنگی- مذهبی دو شاعر مهمترین نقش را در تاثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه داشته است.

ضرورت تحقیق

شایان ذکر است که تاکنون در این زمینه تحقیقی همه‌جانبه صورت نگرفته است؛ لذا انجام این تحقیق به منظور نشان دادن تاثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه در زمینه‌های مشابهت در وزن، صور خیال، زمینه‌های سبک شناسی، عناصر داستان و ارزش‌های اخلاقی و انسانی ضروری به نظر می‌رسد.

مروری بر تحقیقات پیشین

از دیرباز محققان و نویسندگان بزرگی چون دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر میرجلال‌الدین کزازی، دکتر منصور رستگار فسایی، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن و صدها محقق و نویسنده‌ی دیگر ایرانی و غیر ایرانی درباره‌ی فردوسی بزرگ و اثر همیشه جاوید او، شاهنامه، سخن‌ها گفته‌اند و آثار ارزشمندی به طبع رسانده‌اند و هر روز نیز شاهد پژوهش‌های تازه‌ای درباره‌ی این دریای بیکرانیم. اما با تاسف باید گفت به بزرگترین حماسه‌سرای دینی ایران، ابن‌حسام و اثر زیبای او خاوران‌نامه چندان توجهی نشده است.

قدم اول در شناخت ابن‌حسام را مرحوم احمد احمدی بیرجندی، هم ولایت این شاعر برجسته، برداشته و با نشر دیوان او حق را ادا کرده‌اند و در باب خاوران‌نامه نیز قدم اول را همین استاد بزرگوار برداشتند. نسخه‌ها و ریز فیلم‌ها به درخواست ایشان و به همت والای مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی و استاد فقید، خدیو جم در خارج از کشور تهیه شد و برای تصحیح در اختیار مرحوم احمدی بیرجندی قرار گرفت. اما به هر سبب، ایشان پس از اندکی پژوهش از ادامه‌ی آن منصرف شدند و سرانجام در اختیار آقایان حمیدالله مرادی و حیدر علی خوش‌کنار،

از دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد قرار می‌گیرد و ایشان کار تصحیح خاوران‌نامه رابه عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد به انجام رساندند.

در سال ۱۳۷۸ نیز ویژه‌نامه بزرگداشت ابن‌حسام خوسفی به همت گروهی از رجال و مفاخر فرهنگی در مشهد به طبع رسیده است. اما متأسفانه با همه این اقدام‌ها ابیات کامل خاوران‌نامه در کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های ایران موجود نیست و این اثر ارزنده به طور کلی مهجور مانده است.

موانع و سختی کار پژوهش

یکی از موانع و دشواری‌های اصلی در این پژوهش، در دسترس نبودن کتاب خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی بود. نبود منبع در باره‌ی کتاب خاوران‌نامه نیز یکی دیگر از سختی‌های کار این پژوهش بوده است.

روش پژوهش

روش جمع‌آوری اطلاعات در تدوین این رساله، روش کتابخانه‌ای می‌باشد. ابزار گردآوری مطالب، برگ تحقیق (فیش) بوده و شیوه تدوین مطالب نیز به روش تجزیه و تحلیل (توصیفی-تحلیلی) است. بعد از جمع‌آوری فیش‌ها، مرحله طبقه‌بندی آن‌ها صورت گرفت و بعد از تجزیه و تحلیل با کمک استادان محترم راهنما و مشاور، بدنه‌ی اصلی تحقیق شکل گرفت؛ که عبارت است از: فهرست، چکیده، مقدمه، شرح آثار و احوال ابن‌حسام، بررسی سبک‌شناختی شاهنامه و خاوران‌نامه، بررسی عناصر داستان در شاهنامه و خاوران‌نامه، در نهایت نتیجه‌گیری و منابع مورد استفاده ذکر گردیده است. در این پژوهش ارجاعات شعری بعد از دو نقطه (:سمت راست صفحه منبع و سمت چپ شماره بیت ذکر شده است. برای مثال (فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۱۳-۵۵۹).

گزارش اجمالی پژوهش

رساله‌ی پیش‌رو، در یک بخش پیش‌گفتار و سه فصل کلی تدوین شده است. در بخش پیش‌گفتار مباحث کلی و نظری مربوط به رساله از قبیل: مسئله تحقیق، ضرورت. اهداف پژوهش، پیشینه‌ی تحقیق، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل اول رساله، همراه با مستندات شعری، به شرح و احوال و زندگی ابن حسام خوسفی و برخی از ویژگی‌های شاخص شعری وی پرداخته شده است.

در فصل دوم رساله به بررسی و کارکرد عناصر داستان در حوزه‌های گفتگو، شخصیت پردازی، پیرنگ، زاویه دید، صحنه و صحنه پردازی در خاوران‌نامه و شاهنامه پرداخته شده است.

فصل سوم تحقیق در رابطه با بحث سبک شناسی در این دو اثر است که در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری پرداخته شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پایان، فهرست منابع و مآخذ مورد استفاده در تدوین این پایان‌نامه آمده است.

شایان ذکر است که علاوه بر آنچه ذکر شد دانشجو در زمینه رسم‌الخط این رساله بر اساس شیوه‌نامه‌ی مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مندرج در کتابچه «دستور خط فارسی» عمل کرده است. همچنین شیوه‌ی ارجاعات در این رساله، مطابق با روش پیشنهادی کتاب «آیین نگارش» تألیف محمود فتوحی می‌باشد. در موارد مبهم نظر استاد محترم راهنما اعمال شده است. در پایان بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی‌ها و تلاش‌های بی‌دریغ و دلسوزانه استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر علی‌اکبر سام‌خانیانی که با صبر و تلاش بی‌دریغ و پیگیری‌های فراوان، زحمات زیادی در تدوین این رساله متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. خدمت استاد مشاور، جناب آقای دکتر محمد بهنام‌فر که با رهنمودها و مشاوره‌های ارزنده خود، نقش بسیار تأثیرگذاری را در اتمام این رساله داشته‌اند، نیز مراتب احترام و سپاسگزاری خود را اعلام می‌دارم. شایسته است از دیگر استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که در این مدت به تعلیم اینجانب در دانشگاه بیرجند همت گماشته‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

فصل اول

کلیات

۱-۱- معرفی ابن حسام و خاوران نامه

محمد بن حسام الدین بن حسن بن شمس الدین محمد از شاعران قرن نهم هجری است. وی در آخر نیمه دوم قرن هشتم در ولایت قهستان قصبه خوسف (شهری در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی بیرجند) دیده به جهان گشود. خود، نام و نسب و ولایت خویش را چنین ذکر می نماید:

«محمد بن حسام و محمد بن حسن که هست خاک قهستان تو را مقام و وطن»

(ابن حسام، ۱۱: ۱۳۶۶).

در اشعار، ابن حسام و یا محمد بن حسام تخلص دارد. در پایان راز و نیاز و احوال خود و دوازده امام می گوید:

گنجهکار بیچاره ابن حسام به فضل تو دارد امید تمام

(خوش کنار، ۱۳۷۸: ۳۰).

و در پایان قصیده ای که در مدح پیامبر (ص) سروده است، می گوید:

نامی که جز به نام تو نامی نمی شود نام محمد بن حسام محمد است

(ابن حسام، ۵۱: ۱۳۶۶).

«در باب تاریخ ولادت شاعر، اصحاب تذکره و تراجم احوال، اقوال مختلف و آرای متفاوتی دارند؛ به گونه ای که برخی از محققان معاصر تاریخ تولد شاعر را سال ۷۸۲ هجری محتمل می دارند اما مطابق گفته دولت شاه سمرقندی که نزدیکترین مؤلف به دوران حیات ابن حسام بوده است و نیز با توجه به گفته خود شاعر که در اثنای یکی از قصایدش می گوید:

چو از هجرت در این تاریخ معدود
چل و نه سال بر هشتصد بیفزود
ز عمر من گذشته شصت و شش سال
جوانی بر گذر، پیری به دنبال

باید سال ۷۸۳ هجری را به عنوان تاریخ ولادت شاعر مستدل دانست» (مرادی، ۱۳۸۲: ۴).

ابن حسام در شهر خویش به تحصیل علوم پرداخت و در انواع علوم همچون: تاریخ، نجوم، حدیث، قرآن، علم رجال، صرف و نحو، معانی و بیان و جز آن‌ها تسلط یافت. وی از تربیت پدر نیز که خود اهل علم و فضل بوده برخوردار شده است. خود در این باره می‌گوید:

تربیت‌های پدر خاک مرا خوشبوی کرد
خاک خوش بر خوابگاه تربت بابای من

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۱۲).

و درباره علم و فضل پدر و خاندان خویش گوید:

پدرم گفت: قرب سیصد سال
رفت و از رفتگان مرا یاد است
تا به نه پشت ما که اجداداند
همه را علم و فضل و ارشاد است

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۱۴).

ابن حسام دارای طبعی بلند بوده و تا آن‌جا که می‌توانسته "منت ارباب بی مروّت دنیا" را نکشیده و زبان به مدح صاحبان زر و زور نیالوده است. دلیل این ادعا، اشعار زیبای خود اوست:

در راز و نیازی از پروردگار خویش می‌خواهد که:

به مهدی قائم امام الانام
که در دین و دنیا مرا چند کار
برآر ای خداوند اسرار من
یکی حاجتم را نمانی به کس
سلام علیهم علیه‌السلام
برآری به فضل خود ای کردگار
بدین چهارده، چهارده کار من
برآرنده آن تو باشی و بس

(خوش‌کنار، ۱۳۷۸: ۲۹).

وی بسیار قناعت پیشه بوده، چنان‌که به یک قرص جو قناعت می‌کند اما منت از سفره کسان نمی‌کشد:

همه سال و مه روی در گوشه ای
به یک قرص جو تا شب از بامگاه
قناعت نمایم به کم توشه ای
قناعت نمایم چو خورشید و ماه

شکم چون به یک نان توان کرد سیر مکش منت از سفره اردشیر

(مرادی، ۱۳۸۲: ۵۵۵).

از طرفی چون شخصی متملق و چاپلوس نبوده و ارباب روزگار را چنان که باید مدح و ستایش ننموده است گویی مورد بی لطفی زمانه قرار گرفته است. آن جا که می‌گوید:

من آن یوسفم کز عزیزان دور ندیدم بجزرنج و خواری و جور

(همان: ۵۵۵).

و در جای دیگر نیز می‌گوید:

این منم چون کوف در ویرانه ادبار خویش سرفرو برده چو بوتیمار با چندین الم
می‌زند فصّاد چرخم در مقام نوش، نیش می‌دهد دهر ستمکارم به جای شهید، سم
در زمستان خانه نکبت، حریف من خریف در فلاکت گوشه محنت ندیم من ندم

(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۲۸).

ابن‌حسام تمام توان شاعری خویش را در طبقی از اخلاص گذاشته، به پیشگاه مقدس محبوب یکتا و ائمه معصوم (علیهم‌السلام) تقدیم می‌دارد. در مناجات از باری تعالی می‌خواهد که:

الهی مرا محرم راز کن در معرفت بر دلم باز کن
دلی ده که باشد شناسای تو زبانی که بستاید آلالی تو

(خوش‌کنار، ۱۳۷۸: ۱۳).

اگر حاکمان زمانه به او توجه ندارند و مورد ستم و جور روزگار است، چون با مصطفی (ع) و آل اوست،

باکی ندارد. خود می‌گوید:

کسی را که باشد سلیمان، ندیم ز دیو ستمکاره او را چه بیم
چو با کشتی نوح بردی مآب برستی ز دریا و طوفان و آب
گر آتش بگیرد جهان ای سلیم تو چون با خلیلی ز آتش چه بیم

ره از دزد و از راهزن پاک نیست تو بر شارع شرع رو، باک نیست

نخواهی که در ره شوی پایمال برو جانب مصطفی جوی و آل

«ابن حسام اوقات شریفش را بعد از وظایف طاعات و عبادات به فلاح و زراعت و کسب حلال می‌گذرانیده است، چنان که خود فرماید:

به شب زبان من و مدح اهل بیت رسول به روز شغل من و کسب قوت و مایحتاج

(احمدی بیرجندی، شماره دوم: ۳۵۲).

دولت‌شاه سمرقندی در کتاب تذکره الشعرا در باب ابن حسام می‌گوید:

«ملک الکلام مولانا محمد حسام الدین المشهور به ابن حسام رحمه الله علیه به غایت خوشگوست و با وجود شاعری، صاحب فضل بوده و قناعتی و انقطاعی از خلق داشته، از خوسف است و از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستی و صباح که به صحرا رفتی تا شام اشعار خود را بر سینه بیل نوشتی و بعضی او را ولی حق دانسته‌اند» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۳۰).

وی پس از ۹۲ سال زندگی سخت و سودمند در سال ۸۷۵ هجری قمری دیده از جهان فروبست و در شهر

خویش - خوسف - به خاک سپرده شد و تربتش اکنون زیارتگاه خاص و عام است. خود گوید:

نمیرد دل پاک ابن حسام که زنده است او را بدین نامه نام

اگر خاک گردد تنم زیر خاک چو نام مرا زنده بینی چه باک

اجل گرچه بر ره گشاده است وام نمرد آن که او را نمرده است نام

کس از دستبرد اجل جان نبرد ولیکن نمرد آن که نامش نمرد

نمیرند مردان بیدار بخت کشند از خرابه به آباد، رخت

(مرادی، ۱۳۷۸: ۵۵۳).

۱-۲- وضع شعر فارسی در عصر ابن حسام

اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم مربوط به دوره تیموری است. سعید انواری در مقدمه خاوران‌نامه می‌گوید:

«دوره سی ساله حکومت تیمور، دوره نهب و وحشت و از هم گسیختگی ایران بود. در غالب بلاد، شیرازه امور از

هم گسیخت و بسیاری از مردم از هستی افتادند. در دوره پنجاه ساله حکومت شاهرخ - گرچه قلمرو او از

شورش‌ها و جنگ‌ها و قتل و غارت آسوده نبود - خصوصاً ولایات شرقی نسبتاً روی آسایشی دیدند و با علاقه

ای که شاهرخ و پسران او به آبادانی و تربیت هنرمندان و رعایت حال رعیت داشتند، احوال اجتماعی ایران کمابیش به وضع سابق برگشت و زندگی عادی تجدید شد» (خوسفی، ۱۳۸۱: ۸).

تیمور علی رغم جنگ و لشکرکشی و قتل، پس از برنامه ریز سلسله تیموری، توجه سلسله خود را به هنر و ادب معطوف نمود، چنان که در این عهد شاهان و شاهزادگان تیموری از جمله ابراهیم سلطان بن شاهرخ و میرزا بایسنقر و الغ بیگ بن شاهرخ توجه خاص به علم و ادب و هنر داشته‌اند.

ذبیح الله صفا در این باره می‌گوید: «کمتر شاهزاده تیموری را می‌شناسیم که ذوقی نداشته، به هنری پرداخته، شعری نگفته و به شعر دیگران حالی نکرده و شاعران و نویسندگانی در درگاه خود نپرورانده باشد» (صفا، ۱۳۷۲: ۱۲۷).

در دربارهای تیموریان و ترکمانان همواره به رسم قدیم، عده ای از شعرای موظف به سر می‌بردند که کارشان مدح سلاطین و وزرا و امرای بزرگ و گذراندن قصاید مدحی خود در ایام رسمی خاص در جشن‌ها و نیز تسلیت سلاطین در مرگ کسان و بستگان و تهنیت جلوس و فتح و نظایر این وقایع و مواقع بوده است و همین رسم شایسته است که موجب ترویج آن در ایران گردید (صفا، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

اما فقط دربار سلاطین نبود که در این عهد، شعر و شاعری را رواج می‌داد، بلکه تشویق و پیش قدمی دستگاه‌های قدرت در این دوره یکی از چند علت رواج شعر بود. موضوع مهم آن است که در این دوره، شاعری جزء زندگی گروه کثیری از ایرانیان و از لوازم حیات آنان شده بود. چنان که بسی از گویندگان بودند که یا حاجتی به شاعری نداشته و یا سرگرمی آنان در مواقع فراغت بود، فقط به ظرافت طبع شعر می‌گفتند و دیوان ترتیب می‌دادند و مجالس شعر ایجاد می‌کردند (صفا، ۱۳۷۲: ۱۶۳).

بر پایه آنچه گفته شد می‌توان شاعران این عهد را به سه گروه تقسیم نمود:

۱- شاعرانی که در دربارند و وظیفه مدح پادشاهان و سلاطین را بر عهده دارند و در واقع شاعری به عنوان حرفه و شغل آن‌هاست.

۲- شاعرانی که در عین داشتن شغل دیوانی و غیر دیوانی علاقه‌مند به شعر و شاعری بوده و خود مجالس شعر دارند چون امیر علیشیر نوایی.

۳- منقبت گویایی که از دربار و سلاطین بوده و با وجود نیازمندی، حاضر به خدمت در دربار و مدح پادشاهان نبوده‌اند چون ابن حسام خوشفی.

«مذهب رسمی دربار شاهرخ، مذهب سنت بود. بیشتر علمای عصر و هم چنین مردم پیرو همین مذهب بودند ولی شیعیان نیز کم نبودند و عده آنان در خراسان، عراق و آذربایجان بیش‌تر و در ترکستان و شرق خراسان کمتر بود. اما در این دوره اشعار مذهبی شیعیان شگفتگی خاصی یافت. شاه نعمت‌الله ولی، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی ترشیزی و محمدحسام‌الدین - مشهور به ابن حسام - در این دوره می‌زیستند که از استادان شعر شیعی به شمار می‌آیند. البته شعری که در ستایش ائمه باشد، خاص این دوره نیست، اما در این عصر بنیان و اساسی استوار یافت. در این دوره بود که قصاید غرا در وصف حضرت علی (ع) و ثنای امام شهید و رثای واقعه کربلا و ستای دوازده امام و لعن دشمنان خاندان پیامبر (ص) سروده شد» (ابن حسام، ۱۳۸۱: ۱۹).

در این دوره با وجود شکست‌های پیاپی ایرانیان از زردپوستان و با حکومت‌های ترکان جغتایی و ترکمانان و تطاول ازبکان و امثال این مصایب سخنی از حماسه ملی در میان نمی‌توانست بود و همان اظهار علاقه که گروهی از صاحب ذوقان این عهد به منظومه‌های استادان پیشین، خاصه فردوسی می‌کردند، باید نعمتی بزرگ و فوزی عظیم شناخته شود اما در مقابل این حال و به همان ترتیبی که در قرن هفتم و هشتم پیش آمده بود، نظم منظومه‌هایی به شیوه منظومه‌های حماسی در شرح گردنکشان قوم یا در ذکر مغازی و مفاخر بزرگان دین میان شاعران معمول بود. از جمله حماسه‌های تاریخی یا تاریخ‌های منظوم که به وزن و شیوه حماسی شاهنامه استاد توس در این عهد پدید آمده، یکی از آن است که شرف‌الدین علی یزدی ترتیب داد و دیگر بهمن نامه فخرالدین حمزه ابن علی ملک توسی اسفراینی بیهقی متخلص به آذری و ... مهم‌ترین منظومه از نوع «حماسه دینی» را مولانا محمد بن حسام‌الدین مشهور به ابن حسام (م ۸۷۵ هـ) در این عهده سروده است. نام این منظومه، خاوران نامه است و شاعر، آن را به سال ۸۳۰ هجری در ذکر سفرها و جنگ‌های علی (ع) در سرزمین خاوران سروده است (صفا، ۱۳۷۲: ۱۸۹).

«در روزگاری که ابن حسام زندگی می‌کند، توجه به حماسه‌های ملی جایی ندارد زیرا حماسه ملی ایرانیان به وسیله فردوسی به اوج و کمال رسیده بود و اوضاع قرن نهم به گونه‌ای است که انگیزه پرداختن به حماسه ملی وجود ندارد ولی برای خلق حماسه‌های مذهبی همه چیز مهیاست زیرا فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرن

نهم به گونه ای است که مردم باید از بلاها به مقدسات و باورهای مذهبی پناه ببرند و آن چه می‌تواند از آشفته‌گی‌ها و نامردمی‌های آن روزگار بکاهد، تقویت تقوا و باورهای مذهبی است. ابن‌حسام با سرودن حماسه مذهبی خاوران نامه و با پرداختن به مضامین مذهبی در دیوانش، این راه روشن نجات را می‌گشاید و دیگران را نیز به سوی آن فرا می‌خواند» (واعظی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

قصه از شاه ولایت گوی و بس داستان پوردستان تا به کی؟

(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۱۲۶).

۳-۱- آثار ابن‌حسام

- ۱- خاوران‌نامه. به بحر متقارب و قدیم‌ترین منظومه‌های حماسی دینی در ادب فارسی است.
- ۲- دیوان اشعار که شامل قصاید، غزل‌ها و انواع دیگر نظم از جمله ترجیع بند، ترکیب بند، مخمس، مثنی، ملمع و الغاز است. در قصیده‌سرایی از شیوه انوری، خاقانی، کمال‌الدین اسماعیل، ظهیر فاریابی و سلمان ساوجی پیروی و در موارد بسیاری اشعار آن‌ها را اقتفا و تضمین کرده است.

۴-۱- خاوران‌نامه

خاوران‌نامه از جمله حماسه‌های دینی است که در قرن نهم، ابن‌حسام آن را به تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی به نظم آورده است.

می‌دانیم که در قرن نهم «بایسنقر میرزا به جمع و تدوین و اصلاح و تهذیب شاهنامه سعی بسیار کرد و بنا بر مقدمه‌ای که بر اول شاهنامه افزود، دستور داد تا شاهنامه را با توجه به نسخ متعدد قدیم تهذیب و استنساخ کنند. همین توجه به شاهنامه موجب شد که مثنوی‌سرایی به تقلید از شاعران سلف رونقی پیدا کند و از شاعران دیگری مانند نظامی گنجوی و امیرخسرو تقلیدهایی در سرودن مثنوی به عمل آید. چنان که مثنوی «انیس‌العارفین» قاسم الانوار و دو مثنوی از شاه نعمت‌الله ولی و دستور عشاق» و شبستان خیال» فتاحی نیشابوری و «گوی و چوگان» عرفانی هراتی و چند مثنوی دیگر از کاتبی و «خمسه» مولانا شرف‌خیابانی و بالاخره، مثنوی